

علم أصول الفقه

۸۲

۹-۲-۹۳ سیره و ارتکاز

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

گمان خطا

- أَمْ مَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸ فاطر)

گمان خطا

- كهف
- قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (١٠٣)
- الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (١٠٤)
- أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (١٠٥)

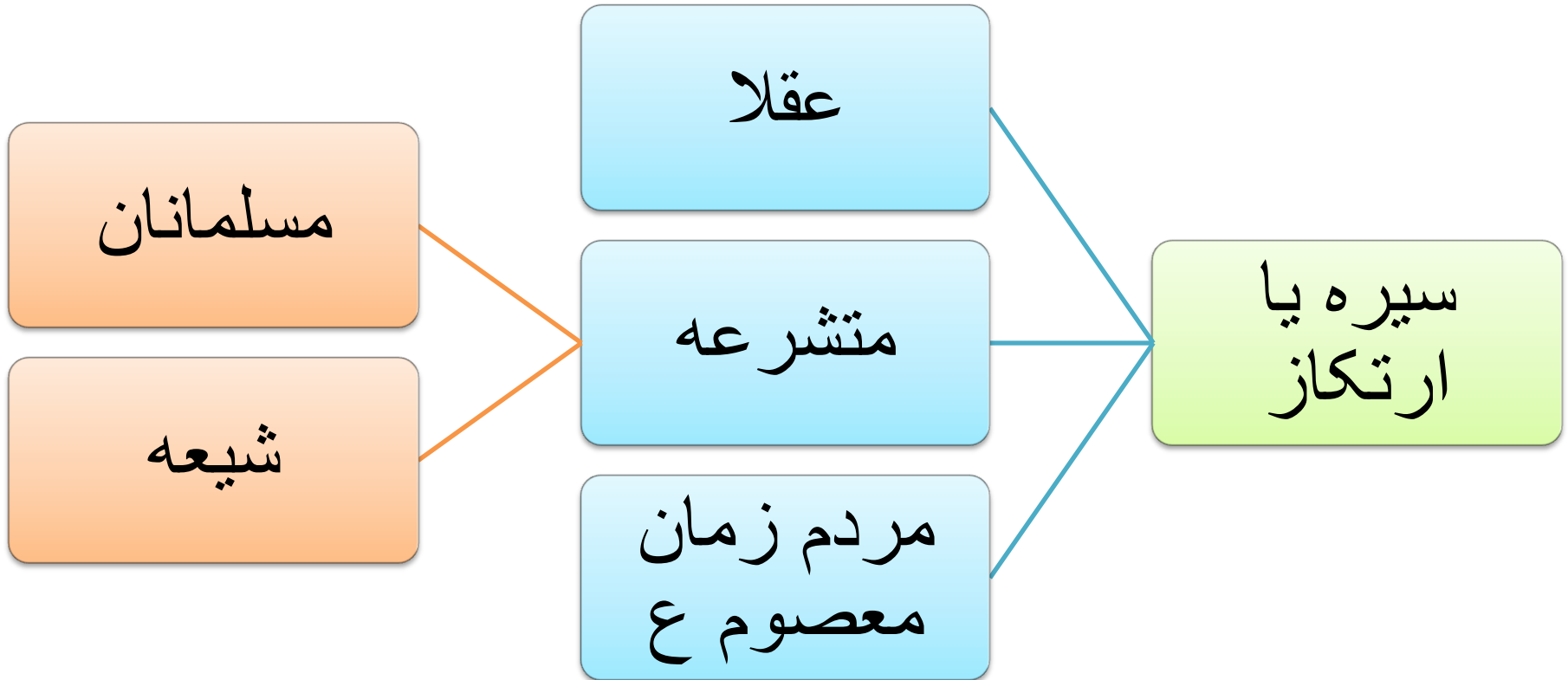
منش عملی و
عادات رفتاری

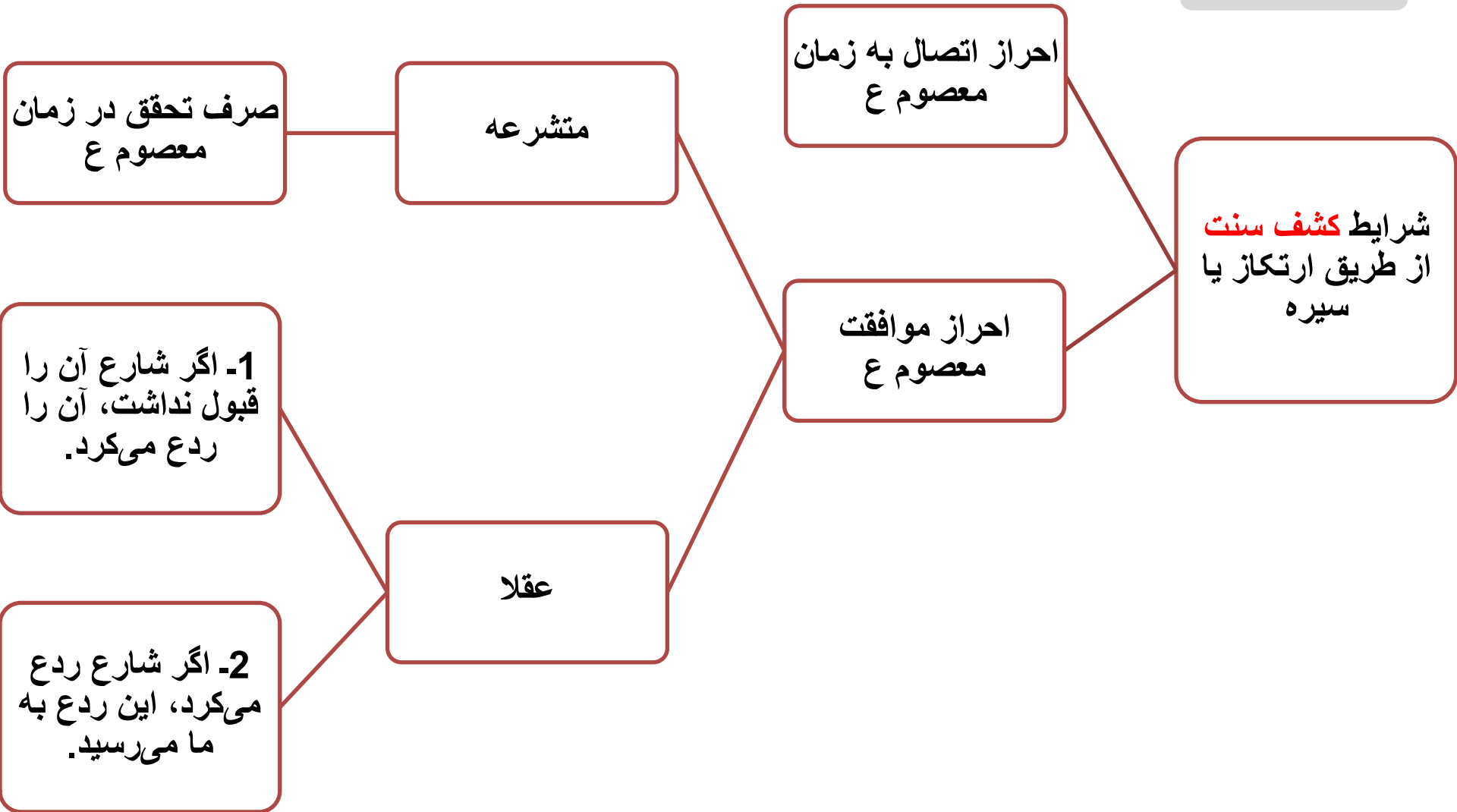
سیره

دیدگاه ذهنی و
مبنای فکری

ارتکاز

میزان احتمال تأثیر موقعیت

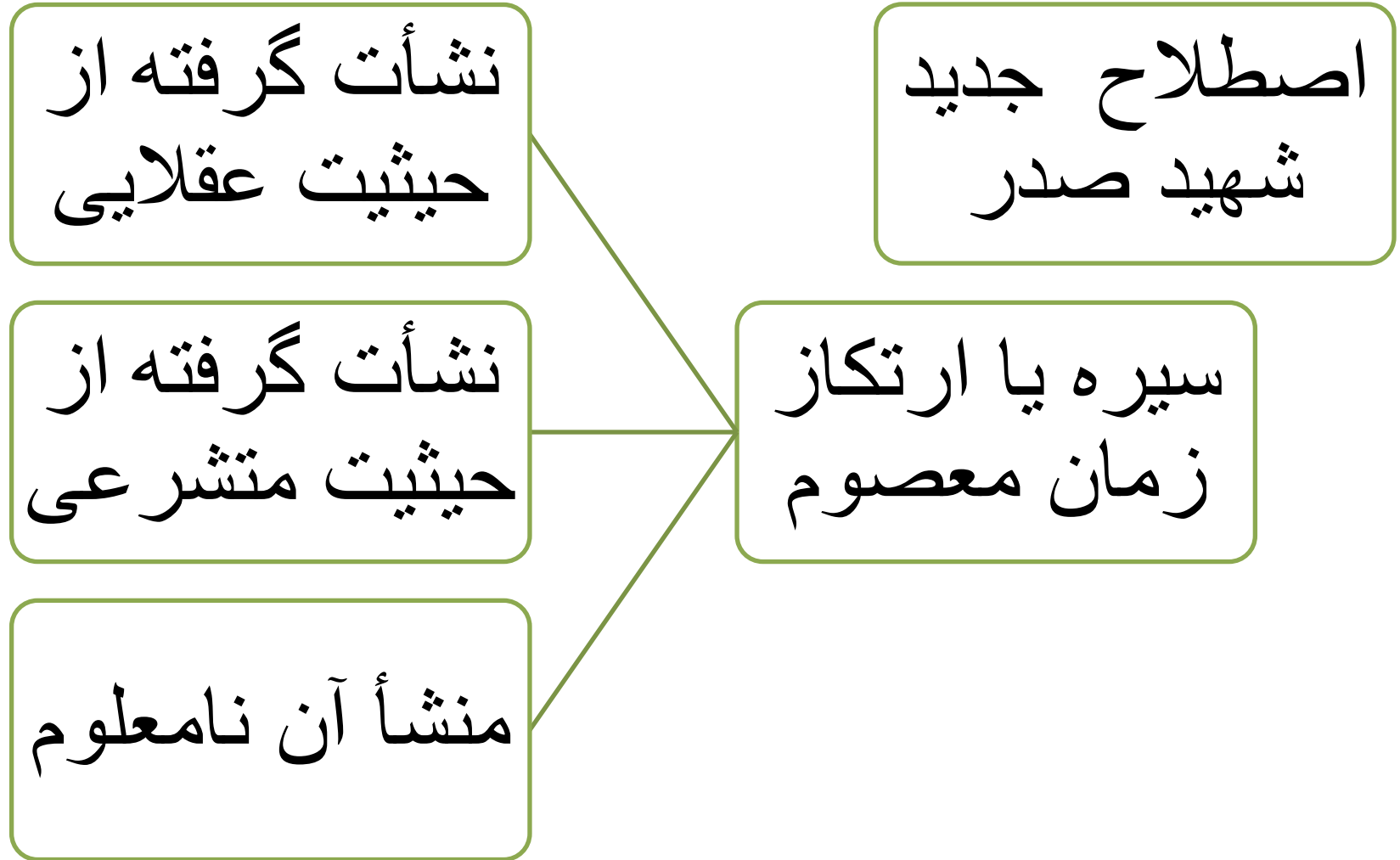




سیرة متشرعه بالمعنى الاعم

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - در انتهای بحث سیره و ارتکاز یک اصطلاح جدید را مطرح می‌کنند.
- می‌فرمایند:
- سیره یا ارتکازی که در در زمان معصوم - علیه السلام - وجود داشت یا می‌دانیم از حیثیت عقلایی آنها نشأت گرفته‌است یا می‌دانیم از حیثیت متشرعی برخاسته‌است و یا نمی‌دانیم که منشأ آن چیست؛ مثل سیره موجود در زمان معصومین - علیهم السلام - در باب عمل به اخبار ثقات.

سیرة متشرعه بالمعنى الاعم



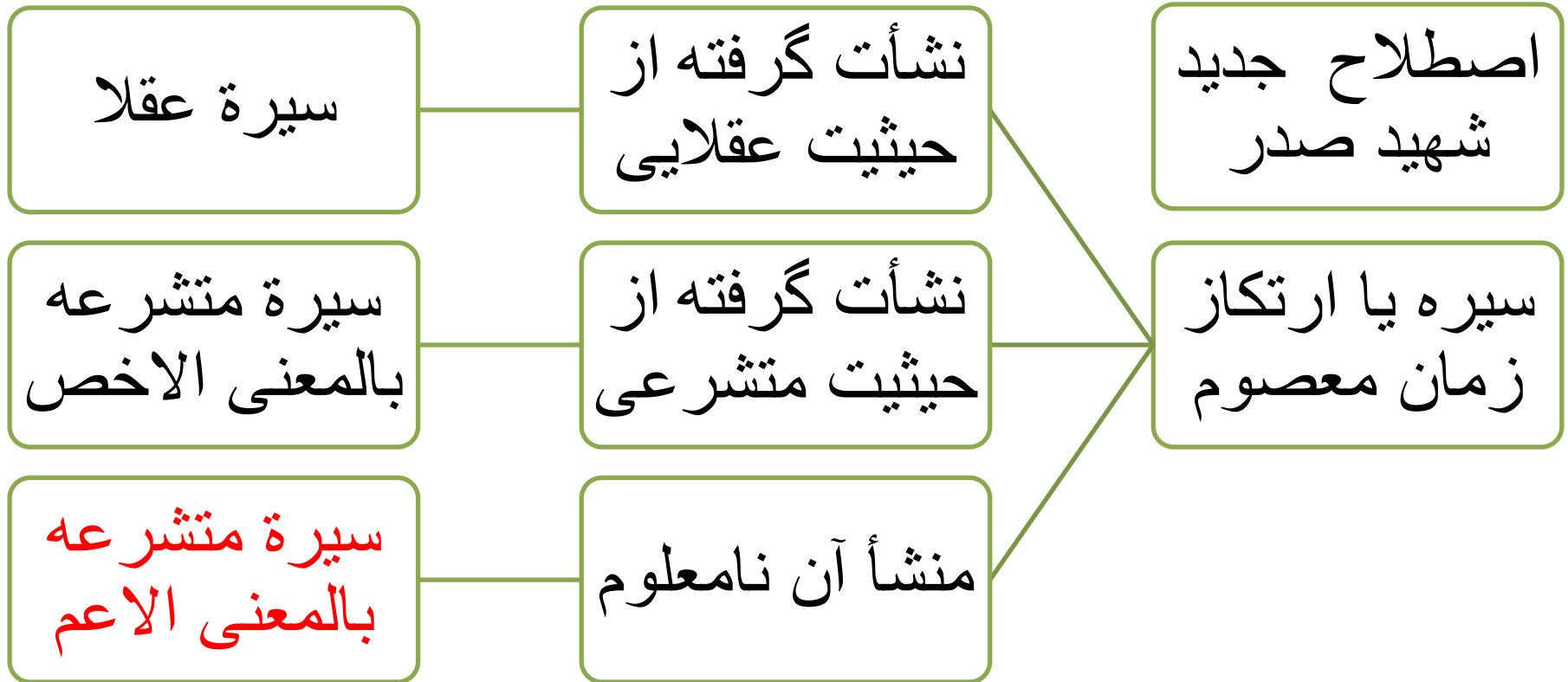
سیرة متشرعه بالمعنی الاعم

- می دانیم که در آن زمان مسلمانان به خبرهای ثقه در باب احکام شرعی عمل می کردند؛ چون می دانیم حدیث روش اطلاع مردم از احکام بوده است و عده ای به طور مستقیم از معصوم - علیه السلام - احکام را می شنیدند. سپس آن را برای دیگران نقل می کردند و آن دیگران باز این را برای دیگران نقل می کردند و از طریق همین نقل ها افراد جامعه از وجود احکام با خبر می شدند.

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم

- ايشان می فرمایند فرض کنيد - نمی دانیم منشأ این سیره حیثیت عقلایی آنها بوده است یا حیثیت متشرعی آنها.
- آن گاه فرض اول سیره عقلا و فرض دوم سیره متشرعه بالمعنى الاخص و فرض سوم سیره متشرعه بالمعنى الاعم نامیده می شود.

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم



سيرة متشرعه بالمعنى الاعم

- سپس ایشان می فرمایند:
- این سیره متشرعه بالمعنى الاعم به سیره متشرعه بالمعنى الاخص ملحق است؛ یعنی صرف وجودش در زمان معصوم - علیه السلام - برهان انی بر امضاء آن است.

سیرة متشرعه بالمعنی الاعم

- اشکالی که مطرح است این است که:
- چرا اینجا که نمی‌دانیم منشأ این سیره حیثیت عقلایی مردم است یا حیثیت متشرعی ایشان، اسم آن را سیرة متشرعه بالمعنی الاعم گذاشت و به سیره متشرعه بالمعنی الاخص ملحق کرد؟
- چرا اسم آن را سیرة عقلا بالمعنی الاعم نگذاشت؟

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم

- ایشان در این بحث نکته‌ای دارند که شاید همان باعث شده‌است این طبقه‌بندی را مطرح کند.

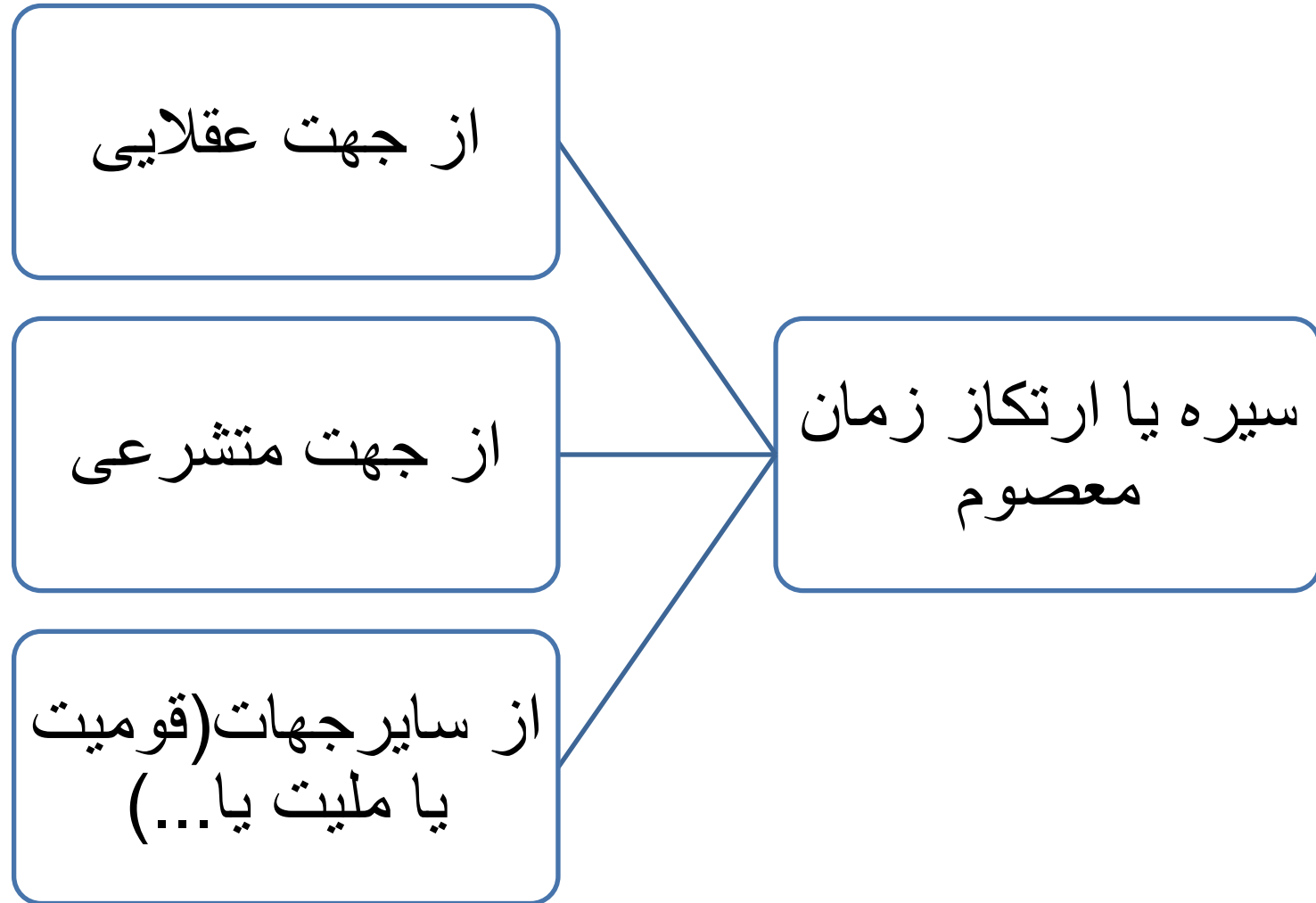
سیرة متشرعه بالمعنی الاعم

- ایشان می فرمایند:
- بر اساس حساب احتمالات بعید است که این افراد که در روزگار معصوم - علیه السلام - به اخبار آحاد در حوزه شریعت هم عمل می کنند، نظر معصوم - علیه السلام - را در مورد چنین مسأله ای جو یا نشده باشند و یا معصوم - علیه السلام - چنین چیزی را رد کرده باشد ولی اینها اعتنا نکرده باشند. بنابراین همین که اینها چنین سیره ای داشته اند، کاشف از امضاء معصوم - علیه السلام - است. پس این سیره هم ملحق به سیرة متشرعه بالمعنی الاخص است.

سیره متشرعه بالمعنی الاعم

- این تقسیم، تقسیم تازه‌ای نیست و این قسم هم قسم جدیدی نیست و این بحث در واقع خلط بین مقام اثبات و مقام ثبوت است.
- از ابتدا باید گفت:
- سیره یا ارتکازی که در زمان معصوم - علیه السلام - در بین مردم وجود داشت، به لحاظ ثبوتی از سه حال خارج نیست یا از آن جهت که عقلا هستند چنین سیره و ارتکازی را دارند یا از آن جهت که مسلمان یا شیعه هستند و یا به جهت قومیت یا ملیت یا منطقه جغرافیایی یا تاریخ مانند آن.

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم



سیرة متشرعه بالمعنی الاعم

- ممکن است کسی از فرض سوم به بناء متشرعه یا عرف متشرعه یا عرف خاص یاد کند که البته عرف خاص به هر دو فرض دوم و سوم قابل اطلاق است.
- ولی چون معمولاً در فقه و اصول ما با قسم سوم کاری نداریم عرف خاص را به قسم دوم اطلاق می‌کنیم

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم

- در بحث اثباتی یعنی در مرحله علم ما، گاهی می دانیم این سیره یا ارتکاز، عقلایی است و گاهی می دانیم از قبیل متشرعی است و زمانی هم می دانیم از آن قسم سوم (غیر عقلایی و غیر متشرعی) است و گاهی نیز نمی دانیم از کدام قسم است. این اقسام چهارگانه در مقام اثبات، احراز و علم ما پیدا می شوند نه اینکه در واقع و ثبوت هم چهار قسم باشد. قسم چهارم یک قسم اثباتی است.

سیرة متشرعه بالمعنی الاعم

- مثل اینکه یک کاسه در مقام ثبوت یا پاک است یا نجس ولی در مقام اثبات سه حالت دارد: یا می دانم پاک است یا می دانم نجس است و یا نمی دانم پاک است یا نجس. این سومی در واقع چیزی غیر از آن دو نیست؛ یعنی این طور نیست که این کاسه در واقع سه تا احتمال داشته باشد: یکی اینکه پاک باشد و دیگری اینکه نجس باشد و سومی چیز دیگری!

سیرة متشرعه بالمعنی الاعم

- بالآخره اگر نمی دانیم که این سیره عقلایی است یا متشرعه حکم کدام را دارد؟ پاسخ این است که حکم عقلا را خواهد داشت؛ چون بر اساس نظر ما احراز امضا لازم است و احراز امضا در سیرة متشرعه ساده تر از سیر عقلا است.

سیره متشرعه بالمعنى الاعم

- بنابراین به اصطلاح منطقی نتیجه تابع اخس مقدمتین است؛ به عبارت دیگر وقتی بدانیم این سیره یا ارتکاز، متشرعی است، در واقع می‌دانیم که حیثیت اسلام و تشریح منشأ آن شده‌است. پس وجود این سیره و ارتکاز برهان‌انی بر امضاء شارع است و اگر بدانیم این سیره یا ارتکاز، عقلایی است در حقیقت می‌دانیم حیثیت بشری منشأ آن شده‌است و ممکن است شارع این حیثیت بشری را نپذیرفته باشد. پس باید امضای وی احراز کنیم. بنابراین وقتی نمی‌دانیم کدام یک از این دو منشأ است، وجودش دلیل بر امضاء نخواهد بود.

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم

- تحليل شهيد صدر - رضوان الله تعالى عليه - دليل بر آن است كه اين سيره حتى اگر عقلايى هم باشد، قطعاً امضا شده است نه دليل بر اينكه اين سيره، سيرة متشرعى است.

سیرة متشرعه بالمعنی الاعم

- ممکن است کسی بگوید شارع خودش آنها را این طور راهنمایی کرده بوده که به اخبار ثقات عمل کنند؛ چون در برخی از روایات حجیت خبر ثقه بیان شده است یا به برخی از آیات از جمله آیه نبأ برای اثبات حجیت خبر ثقه تمسک کرده‌اد.

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم

- . بحوث فى علم الأصول، ج ٤، ص ٢٤٧.
- . البته ايشان اين نکته را در مقام پاسخ به اين اشكال طرح نكرده اند، ولى اين ذيل مى تواند يك وجهى در جواب به اين اشكال باشد.

سيرة متشرعه بالمعنى الاعم

- . بحوث فى علم الأصول، ج ٤، ص ٢٤٧.
- . بشر در طول تاريخ، با همة تفاوت‌هاى فرهنگى، تاريخى، اجتماعى، سياسى و اعتقادى بشر هستند و اين بشر بودنشان يك سري ارتكازات مشترك برايشان ايجاد مى‌كند. بنابراین اسم اين نوع را مى‌توان «سیره و ارتكاز بشرى» گذاشت.
- . فرض اخير در حقيقت همة عوامل غير از حيثيت عقلايى و حيثيت متشرعى را شامل مى‌شود.

- وضعیت سیره و ارتکاز بعد از امضا
- آیا سیره و ارتکاز عقلایی بعد از اینکه مورد امضاء شارع قرار گرفت، به سیره و ارتکاز متشرعی تبدیل می‌شود؟
- جوابش این است که مقصود ما از سیره و ارتکاز متشرعی یک اصطلاح خاص است که شامل مورد سؤال نمی‌شود.
- البته صرف اسم گذاری اشکالی ندارد!

راه کشف امضای معصوم

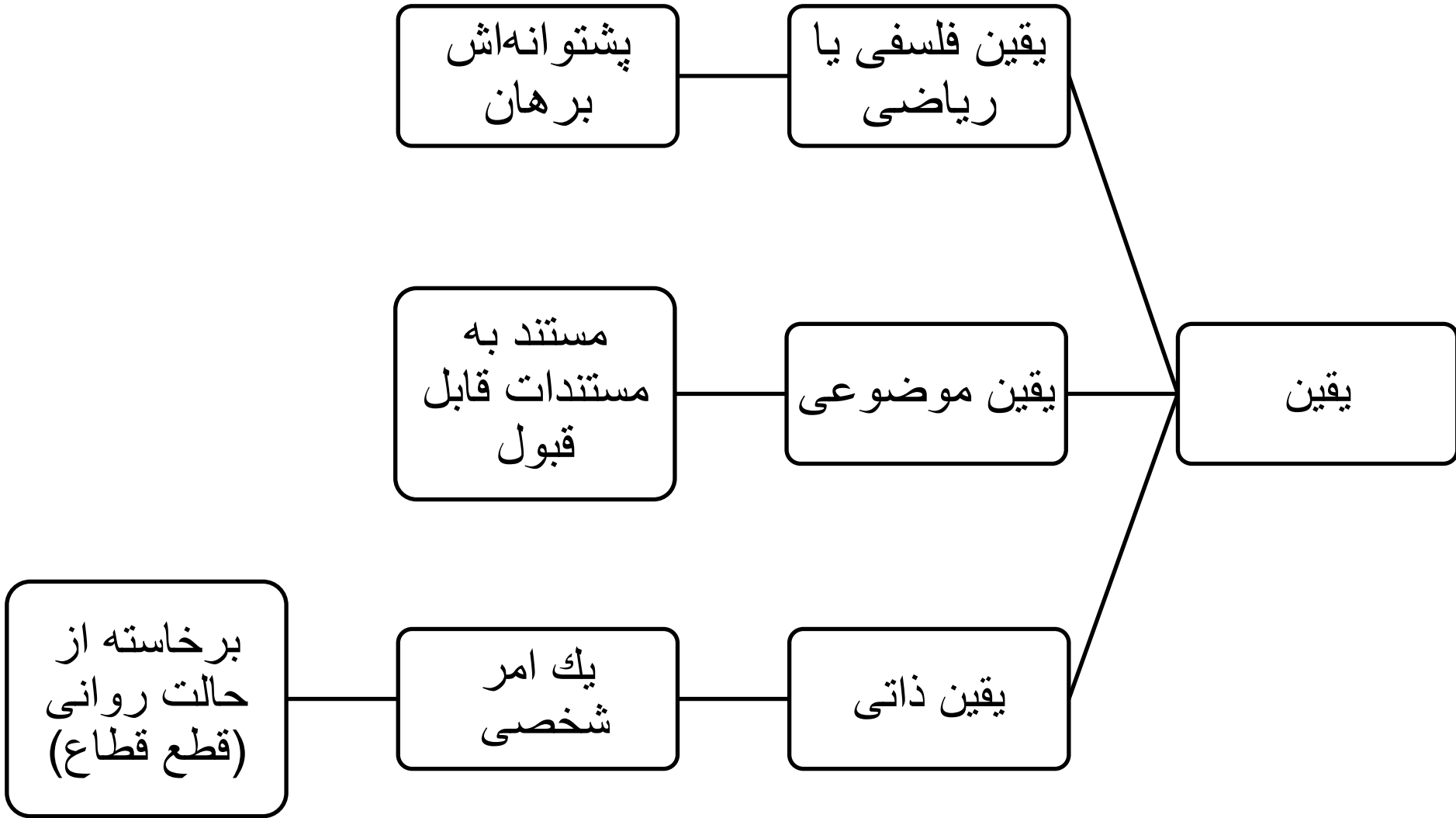
- سیره و ارتکاز کاشف یقینی از امضای شارع
- حجیت سیره و ارتکاز مبتنی بر یقین است؛ یعنی ما سیره و ارتکازی را حجت می‌دانیم که به یقین امضا شده باشد و سیره و ارتکازی کاشف از حکم است که به یقین کشف از حکم کند نه به صورت ظنی؛ چون دلیل ما بر حجیت سیره و ارتکاز چیزی جز یقین نیست.

راه کشف امضای معصوم

- نکته‌ای که شهید صدر - رضوان الله تعالى علیه - می‌خواهد بگوید این است که یقین در اینجا یقین به معنای برهانی و فلسفی نیست.
- در شرطیه دوم می‌گوییم محال است که شارع ردع کند و به ما نرسد.
- مقصود ما محال عادی است؛ یعنی به حسب عادت این امر محقق نمی‌شود؛ گرچه در نظر عقل محال نباشد.

راه کشف امضای معصوم

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - معتقد است که پذیرش این استدلال امر به مبانی استقراء برمی گردد. ایشان معتقد است که انسان در زندگی متعارف چند گونه یقین پیدا می کند:



راه کشف امضای معصوم

- شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - می گوید یقین‌هایی که در حوزه فقه و اصول داریم، معمولاً از قبیل نوع سوم است و یقین برهانی که حکم عقلی بتی باشد، کمتر است.

راه کشف امضای معصوم

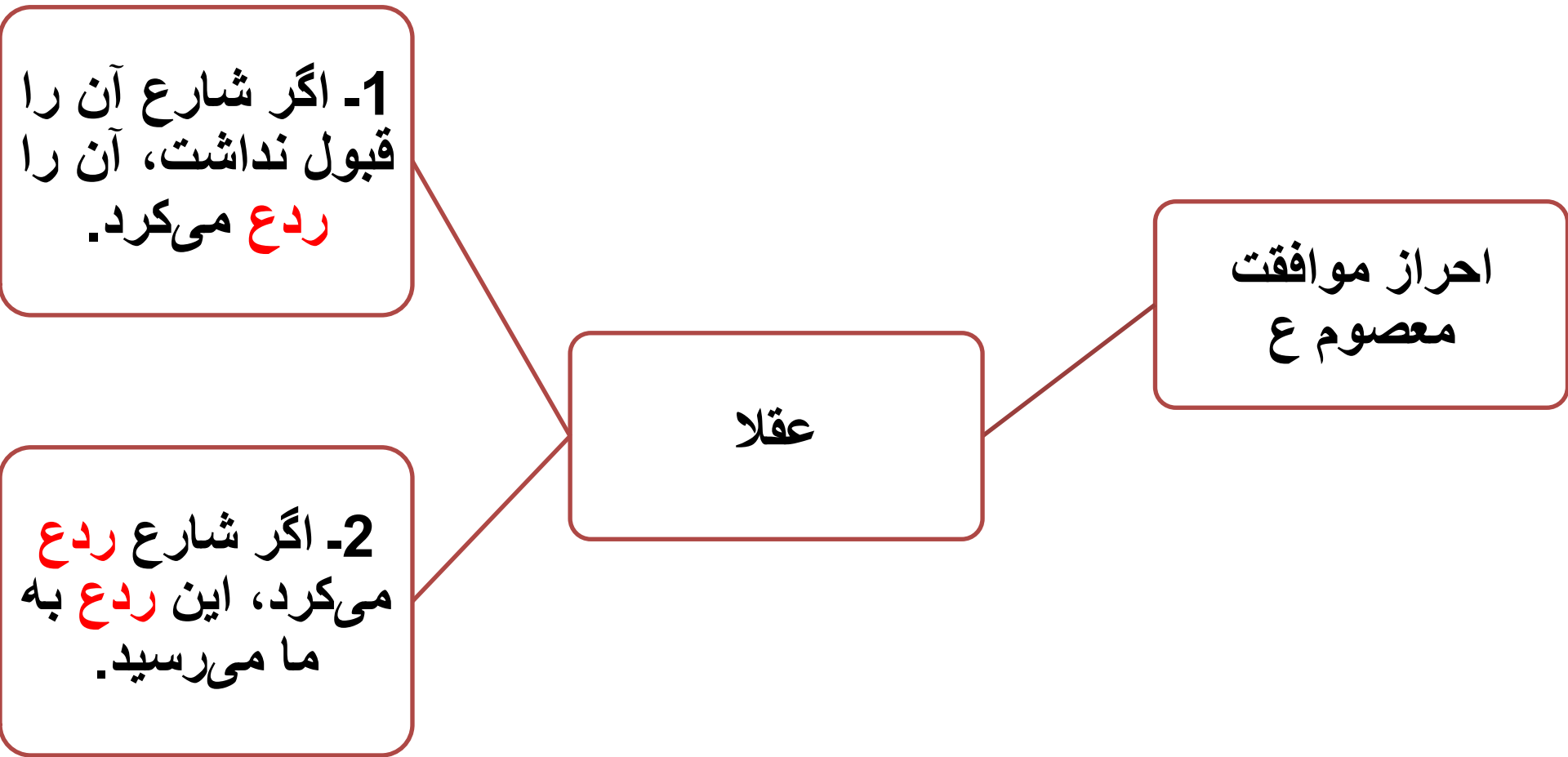
- در بحث امضای سیره و ارتکاز عقلائی دو شرطیه به مثابه دو مقدمه یک استدلال وجود دارد که یکی مبتنی بر یقین برهانی است؛ زیرا می‌گوییم اگر شارع این سیره یا ارتکاز را قبول نداشت، ردع می‌کرد؛ چون مسئولیتش این را اقتضا می‌کرد؛
- یعنی با توجه به حکمت تشریح و مسئولیت شارع محال است که شارع حکیم وقتی می‌بیند یک سیره یا ارتکاز خلاف شریعت وجود دارد و ممکن است به امور دینی سرایت کند، در قبال آن ساکت بنشیند.

راه کشف امضای معصوم

- یقین حاصل از این استدلال برهانی است. در شرطیه دوم می‌گفتیم اگر ردع شده بود، به یقین به ما می‌رسید. در اینجا اگر ردع شود و به ما نرسد، استحاله‌ای در پی ندارد.
- ولی مجموعه ویژگی‌های ردع یک سیره یا ارتکاز عقلایی اقتضا می‌کند که اگر ردعی شده‌است، به یقین به ما برسد. این یقین، حسب تعبیر شهید صدر یقین حاصل از حساب احتمالات است و حسب تعبیر دیگر ایشان یقین استقرائی است نه یقین برهانی.

راه کشف امضای معصوم

- حال وقتی در یک استدلال یکی از مقدمات یقین برهانی و مقدمه دیگر یقین استقرائی باشد ارزش این استدلال ارزش در حد یک استدلال استقرائی است نه ارزش یک استدلال برهانی؛ چون نتیجه تابع اخص مقدمات است. بنابراین باید به امضای شارع یقین پیدا کنیم. ولی نه یقین برهانی نیست.



عقلا

احراز موافقت
معصوم ع

1- اگر شارع آن را قبول نداشت، آن را ردع می‌کرد.

2- اگر شارع ردع می‌کرد، این ردع به ما می‌رسید.

مسئولیت شارع بیان حقایق شرعی
است پس وقتی دیدگاهی مورد قبول وی
نیست باید تذکر دهد

1- اگر شارع آن را
قبول نداشت، آن را
ردع می‌کرد.

ظهور حال

عقلا

احراز موافقت
معصوم ع

راه کشف امضای معصوم

- آقا سید احمد زنجانی - رضوان الله تعالى عليه - در «الكلام يجز الكلام» گفته است روزی پشت بام فیضیه نشسته بودیم. در کنار حوض فیضیه از دماغ کسی یک قطره خون به داخل حوض افتاد. فرد دیگری که کنار ما بود یک دفعه دست به گردن خودش گذاشت و گفت آن قطره خون به گردن من ترشح کرد و واقعاً هم یقین داشت. (الكلام يجز الكلام، ص ؟) می دانیم این را به هر عاقلی بگوییم می خندد. این یک یقین ذاتی و شخصی است و برخاسته از حالت روحی و روانی شخص است.
- برای توضیح بیشتر، ر.ک: الأسس المنطقية للإستقراء، ص ۴۰۹.